



Writing and Reproduction of Jurisprudential Books in the First Safavid Period in Iran According to the Manuscripts of Iranian Libraries

Habibollah Azimi 

Research Associate professor of National Library and Archives of IR. Tehran, Iran. E-mail: Habibazimi@yahoo.com

Abstract

Objective: The main issue of this research is to investigate the frequency of reproduction of jurisprudential books in the first Safavid period. After reviewing the jurisprudence manuscripts written during the Safavid period, it is possible to understand the increasing growth and development of Imami jurisprudence in this period and the continuation of this upward trend in the following periods. In this research, the author intends to study the growing trend in the Safavid era by examining and counting the manuscripts reproduced in this period, and by separating the jurisprudential versions written in the Safavid period, to examine the growth of the production of jurisprudential works in the Safavid period.

Methodology: This research is done by content analysis method. Due to the breadth of the subject, the thematic scope of this research is the jurisprudential books copied in the first Safavid period, from the beginning to the era of Shah Abbas I (from 907 to 1038 AH).

Findings: Findings indicate that out of 554 jurisprudential books and treatises produced in the first Safavid period, 38.3 percent of those works have been written with book structure and 61.7 percent of the works have been written in the form of treatises. Among the 212 jurisprudential books produced in this period, 45 are independent books and 167 are non-independent books (in the descriptions and margins of other books). Some of these books (84 titles in total) are only written by the jurists of this period and the written versions of these titles have been seen in later periods and some (128 titles in total) also have copies written in this period. The most widely used jurisprudential books in this period are: the works of Shahid Thani, Mohaghegh Karki, Sheikh Baha'i and Moqaddas Ardabili, which have the highest frequency in reproduction.

Conclusion: Considering that the jurisprudential works of the mentioned scholars are comprehensive jurisprudential and reasoning books, therefore it can be concluded that the frequency of copying these works, in a very high volume in this period, is mainly to meet the need of teaching resources in Shiite schools in the cities. The important and great Iran was established in this period. And it turns out that these works were among the main sources of jurisprudence in

Shia schools and valid jurisprudential references and sources for other jurists to refer to them for scientific discussions and deriving jurisprudential fatwas needed by the society in response to new and emerging jurisprudential issues.

Keywords: Jurisprudential books, Safavid period, Reproduction and writing of jurisprudential versions, Iranian manuscripts

Article type: Research

How to cite:

Azimi, H. (2023). Writing and Reproduction of Jurisprudential Books in the First Safavid Period in Iran According to the Manuscripts of Iranian Libraries. *Library and Information Sciences*, 26(3), 208-222.



ARTICLE INFO

Article history:

Received: 22/11/2022

Received in revised form: 26/12/2022

Accepted: 10/01/2023

Available online: 29/01/2024

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi

Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 3, pp. 208-222.

© The author



استنساخ کتابهای فقهی در دوره صفویه اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران

حبیب اله عظیمی 

دانشیار پژوهشی و مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران. رایانامه: Azimi@nlai.ir; habibazimi@yahoo.com

چکیده

هدف: مسئله اصلی این پژوهش، بررسی فراوانی استنساخ کتب فقهی در دوره صفوی اول است. پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در دوره صفوی استنساخ شده می‌توان به رشد و توسعه فزاینده علم فقه امامیه در این دوره و تداوم این سیر صعودی در دوره‌های بعدی پی برد. با توجه به گستردگی موضوع، دامنه موضوعی این پژوهش کتب فقهی استنساخ شده در دوره اول صفویه، از ابتدا تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که از مجموع ۵۵۴ کتاب و رساله فقهی تولید شده در دوره صفوی اول، ۳۸/۳ درصد آن آثار با ساختار کتاب و ۶۱/۷ درصد آثار در قالب رساله تألیف شده است. در میان ۲۱۲ کتاب فقهی تولید شده در این دوره، ۴۵ عنوان کتاب مستقل و ۱۶۷ عنوان کتاب غیرمستقل (در شرح و حاشیه کتاب‌های دیگر) هستند. ۸۴ عنوان کتاب صرفاً تألیف فقهی این دوره است و نسخه‌هایی از این عناوین، در ادوار بعدی استنساخ شده است؛ و ۱۲۸ عنوان نیز دارای نسخه‌های کتابت شده در این دوره هستند. آثار شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ بهایی و مقدس اردبیلی دارای بیشترین فراوانی در استنساخ هستند.

نتیجه‌گیری: با توجه به این که آثار فقهی علمای مذکور، کتاب‌های جامع فقهی و استدلالی بوده، می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی استنساخ این آثار در این دوره، عمدتاً برای تأمین نیاز منبع درسی در مدارس شیعی است که در شهرهای مهم و بزرگ ایران در این دوره تأسیس شده است.

کلیدواژه‌ها: کتب فقهی، دوره صفوی، استنساخ و کتابت نسخه‌های فقهی، نسخ خطی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

عظیمی، حبیب اله (۱۴۰۲). استنساخ کتاب‌های فقهی در دوره صفویه اول در ایران با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۳)، ۲۰۸-۲۲۲.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۹
ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی
کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۰۳، صص. ۲۰۸-۲۲۲.

© نویسنده



مقدمه

عصر صفویه دوره‌ای مهم در تاریخ ایران و اسلام به شمار می‌رود. پادشاه صفوی پس از تشکیل یک حکومت مرکزی کوشید با استفاده از روحانیت تشیع در داخل و خارج کشور و ترغیب آنان به تقویت و تبلیغ مذهب و تدوین کتب و رسائل شیعی، زمینه استحکام بنیان مذهبی را فراهم سازد. یکی از مهمترین ویژگی‌های این دوره، نوع فعالیت‌های تعداد زیادی از نخبگان علمی شیعه و فقهای امامیه است که در عرصه رویارویی با سایر مذاهب اسلامی نقش‌آفرین بودند. جهت‌گیری‌های این گروه از عالمان در برابر سایر مذاهب اسلامی به سبب تقویت بنیادهای اعتقادی شیعی و توسعه و گسترش فقه امامیه در برابر سایر مذاهب اسلامی و البته تقویت بنیادهای سیاسی دولت صفوی در برابر دولت عثمانی اهمیت فراوان داشت.

در این دوره شاه اسماعیل و شاه تهماسب از علمای شیعی جبل عامل و بحرین دعوت کردند که به ایران بیایند. در دوره شاه اسماعیل، علمایی همچون محقق کرکی به ایران آمدند و این موضوع در دوره شاه تهماسب اول جدی‌تر دنبال شد و به صورت یکی از سیاست‌های اساسی دولت در آمد. در سایه همین سیاست صفویان بود که گروهی از علمای دینی جبل عامل به ایران آمدند و طبعاً بر اوضاع و احوال فرهنگی، دینی و سیاسی جامعه عصر صفوی تأثیر گذاشتند. در اواخر دوران حکومت صفویان نیز علامه محمد باقر مجلسی، یکی از با نفوذترین علمای عصر صفوی بود که در عهد سلیمان و حسین صفوی، شیخ الاسلام اصفهان بود و در حکم نایب امام غایب، شاه سلطان حسین صفوی را نایب خود قرار داد. علمای جبل عامل با انتقال افکار و دانش خود در زمینه‌های گوناگون نسلی از فقیهان ایرانی را تربیت کردند. این علماء توانستند با تأسیس و یا توسعه مدارس و حوزه‌های درسی و تربیت شاگردان متعدد، فقه شیعه را توسعه داده و جنبه‌هایی از فقه امامیه همچون ابعاد سیاسی و حکومتی آن نیز که قبلاً مغفول مانده بود را غنا بخشند. بدون شک تألیف منابع جدید فقهی و استنساخ کتب فقهی علمای پیشین، سهم بزرگی در تقویت بنیان‌های فکری و التزام عملی افراد جامعه و گسترش تشیع در دوران صفویه دارد.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی فراوانی استنساخ کتب فقهی در دوره صفوی اول است. پس از بررسی نسخ خطی فقهی که در دوره صفوی استنساخ شده می‌توان به رشد و توسعه فزاینده علم فقه امامیه در این دوره و تداوم این سیر صعودی در دوره‌های بعدی پی برد و به این نتیجه رسید که دوره صفویه در جهت رشد فزاینده تولید منابع فقه شیعی نقطه عطفی در تاریخ ایران به حساب می‌آید. همچنان که نویسنده محافل المؤمنین- از علمای پس از عصر صفویه- معتقد است که همچون کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۷-۱۰۸).

نگارنده در این پژوهش قصد دارد با بررسی و شمارش نسخه‌های خطی استنساخ شده در این دوره، روند رشدیابنده آن در عصر صفوی را بررسی نماید و با تفکیک نسخه‌های فقهی کتابت شده در دوره صفوی، میزان رشد تولید آثار فقهی در دوره صفوی را بررسی نماید. طبعاً با استناد به آمار و ارقام کتب فقهی استنساخ شده در این دوره و تطبیق آن با کتب فقهی استنساخ شده در ادوار پیشین، می‌توان مستنداً راجع به افزایش روند رشد آثار فقهی در دوره صفوی اظهار نظر نمود.

قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی): با توجه به گستردگی موضوع، دامنه موضوعی این

پژوهش کتب فقهی استنساخ شده در دوره اول صفویه، از ابتدا تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) است.

هدف اصلی تحقیق:

۱. بررسی فراوانی و تنوع ساختاری و محتوایی نسخه‌های فقهی کتابت شده در دوره صفویه اول در ایران

۲. بررسی میزان گسترش کتابت و استنساخ تألیفات فقهی ادوار پیشین در دوره صفویه اول

پرسش‌های پژوهش:

۱. فراوانی و تنوع ساختاری و محتوایی آثار فقهی تولیدشده در دوره صفویه اول در ایران به چه میزان است؟

۲. فراوانی و میزان استنساخ کتب خطی فقهی تولیدشده در این دوره چگونه است؟

روش‌شناسی

این پژوهش به روش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. یکی از ابزارهای روش پیمایشی، چک لیست است که در این تحقیق، از آن استفاده می‌شود و با توجه به دامنه موضوع، این پژوهش به شیوه سرشماری انجام شد.

جامعه آماری و قلمرو پژوهش: جامعه آماری این پژوهش، ۳۲۰۰۰۰ عنوان از نسخه‌های خطی فهرست شده تا سال ۱۳۹۱ است که بیش از ۵۰۰ فهرست معتبر نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران در مجموعه ۴۵ جلدی فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا) شامل ۳۴ جلد فهرستگان و ۱۱ جلد نمایه‌ها جمع‌آوری و استخراج و به ترتیب الفبایی عناوین نسخه‌ها تدوین شده است.

شیوه‌ها و فنون گردآوری اطلاعات: منابع اصلی برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مجموعه ۴۰ جلدی فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا) و سایت آقابزرگ طهرانی با آدرس (<https://aghabozorg.ketab.ir>) است که در سال ۱۳۹۰ تأسیس شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، سیاهه واری (چک لیست) است. با جستجوی موضوعی نمایه‌های فهرستگان نسخ خطی و مراجعه به متن فهرستگان و استخراج اطلاعات عناوین مورد بررسی و کنترل اطلاعات عناوین استخراج شده از فنخا با سایت آقا بزرگ

طهرانی، اطلاعات مورد نیاز از کتب فقهی تولید شده در دوره صفوی در مرحله نخست در چک لیست درج گردید و سپس اطلاعات استخراج شده به تفکیک در دو گروه کلی: کتاب‌های تألیف شده و نسخ استنساخ شده در این دوره مرتب گردید. پس از تکمیل این فرایند، اطلاعات مندرج در چک لیست به عنوان پاسخ به پرسش‌های پژوهش در چند جدول طبقه‌بندی شد و در آخر یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نقش علما در تقویت بنیان‌های شیعه در دوره صفویه

به مرور با گسترش تشیع و استحکام پایه‌های قدرت صفویه و در سایه امنیت به وجود آمده، به موازات رشد و آبادانی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و مدنی، فرهنگ و علم نیز در کشور گسترش یافت و ترویج فکر و اندیشه و مباحثات علمی و تألیف آثار متعدد فقهی، فلسفی، عرفانی و ادبی به وقوع پیوست (بهمنی، ۱۳۹۰).

در دوره صفوی سازمان فرهنگ توسعه یافت و مدارس علوم دینی افزایش یافت. مساجد و مدارس بسیار با موقوفه زیاد تأسیس شد و شماره طلاب علوم دینی چند برابر شد و افراد مستعد به علوم دینی روی آوردند و علمای بزرگ چون شیخ علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، محقق ثانی، شیخ بهائی، محقق کرکی، فیض کاشانی، ملاصدرا و میرداماد ظهور کردند که نفوذ آنان موجب سلطه و قدرت پادشاهی بود. کتب مذهبی که تا این عصر همگی به زبان عربی بود در دوره صفوی به زبان فارسی نیز تألیف گردید (ناطق، ۱۳۵۰، ص. ۲۷) تا مورد استفاده طیف وسیعی از مردمان ایران زمین قرار گیرد. ظهور عالمان و دانشمندان بزرگ در این دوره موجب تقویت بنیان‌های فکری و فلسفی، فقهی و حدیثی شیعیان شد.

رونق حوزه‌های علمیه با استفاده از امکانات سلطنت و مصونیت یافتن علما، سادات، زیارتگاه‌ها و ترویج احکام شرعی از هدف‌های همکاری علمای شیعه در عصر صفوی بود. در کل، هدف علما نه مشروعیت دادن به حُکام، بلکه ترویج احکام دین و رواج علوم اسلامی و دانش‌های دینی به شمار می‌رفت. این همکاری‌ها فرصت تاریخی قابل ملاحظه و پایگاهی امن برای تشیع در جهان خشن آن روزگار فراهم آورد (جعفریان، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۸).

نقش آثار فقهی در رشد تشیع فقهی در این دوره

حضور فقیهان مهاجر عاملی در مراکز علمی ایران، در رشد رویکرد فقهی در مقابل رویکرد حکمی بسیار تأثیرگذار بود، چنان که شمار فراوانی از مدرسان بزرگ عصر صفوی از شاگردان بی‌واسطه و باواسطه آنان بودند. آثار فقیهان شیعه همچون محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی و بسیاری از متون فقهی مهجور شیعه مورد توجه قرار گرفت، شروح و حواشی بسیاری بر آن‌ها نوشته شد (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ص. ۱۵۳). گزارش‌های بسیاری

از تألیف، تدوین و نسخه‌برداری کتاب‌های فقهی در مدارس این دوره موجود است (برای نمونه رجوع شود به: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۵، ص. ۶۴-۷۹).

کتاب فقهی «قواعد الاحکام» علامه حلی، نخستین کتاب فقهی است که در آغاز حکومت صفویه برای اجرای احکام فقهی مورد توجه قرار گرفت. این کتاب از متون اصلی درسی فقه در مدارس بود و گزارش‌های بسیاری از نسخه‌برداری و شرح و حاشیه آن در مدارس وجود دارد (افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص. ۱۹۶). کتاب «ارشاد الاذهان الی احکام الایمان» تألیف دیگر علامه حلی از دیگر متون درسی مهم فقه در مدارس عصر صفوی بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۵، ص. ۷۹). «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» تألیف محقق حلی از دیگر آثار مورد توجه مدارس در دوره صفوی بود.

بنابراین، اهتمام بسیار مدارس به متون فقهی از عوامل مهم و تأثیرگذار رشد تشیع فقهی در ایران بود (بخشی استاد، ۱۳۹۳، ص. ۴). در این دوره، کم‌کم رویکرد فقهی بر رویکرد حکمی و فلسفی چیره شد؛ به گونه‌ای که از میانه دوره صفوی، مراکز و کانون‌های اصلی علمی و فقهی ایران مانند اصفهان و مشهد به مهم‌ترین کانون‌های فقهی شیعه تبدیل شدند و بالتبع مراکز علمی و فقهی تشیع در عراق را تحت تأثیر قرار دادند.

رواج کتابت و استنساخ نسخ خطی در دوره صفوی

در این دوره، در شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، قزوین و بسیاری از نقاط دیگر، هزاران کاتب به استنساخ کتاب مشغول بوده و آثار مکتوب را برای استفاده خود یا به درخواست دیگران کاتب می‌کردند. کاتب، کتابت را استنساخ می‌کرد؛ پس از آن کتاب استنساخ شده به کتابخانه شخصی یک عالم یا وزیر یا شاه یا کتابخانه مدرسه‌ای منتقل می‌شد. ممکن بود عالمی کتابی را خود استنساخ کند، چنان که ممکن بود با دادن پول به دیگری، کار استنساخ را به او واگذارد. نسخه‌های تهیه شده، به دلیل آن که محدود بود، هر لحظه در معرض اتلاف قرار داشت و اصولاً تولید کتاب در دوره صفوی به گونه‌ای بود که کتاب به راحتی نمی‌توانست در اختیار همه قرار گیرد، درست همان‌طور که پس از تولید به راحتی در معرض تلف قرار داشت. این وضعیت، مانعی بر سر راه ترقی و رشد فرهنگ در این دوره محسوب می‌شد.

«دوران پیش از صفویه (از دوره تیموری به بعد)، رشته‌های علمی دچار نوعی انحطاط شده بود، زیرا اولاً در تألیف و استنساخ کتاب، تنها به کتاب‌های ادبی اعتنا می‌شد و ثانیاً تصوف مانع مهمی بر سر راه رشد کتاب‌نویسی و کتاب‌خوانی بود و کمتر مدرسه قابل اعتنایی در ایران وجود داشت» (جعفریان، ۱۳۹۸، ص. ۷۳۹). نفوذ علما به ویژه علمای مهاجر در دربار پادشاهان صفوی رویکرد جدیدی را در این دوره در گسترش علوم دینی همانند فقه و حدیث در جامعه ایجاد کرد، چنان که بسیاری از آثار شیعی از عراق، جبل عامل، بحرین و

حتی هند به ایران انتقال یافت و تحول جدیدی در گسترش و تکثیر و عمدتاً استنساخ برخی از دانش‌ها به وجود آمد. با تأسیس مدارس و کتابخانه‌های متعدد در این دوران و به جهت تأمین کتاب‌های مورد نیاز، استنساخ کتاب‌ها به ویژه در اصفهان در حد وسیعی رواج یافت.

با وجود این که در این دوران در اروپا با رواج صنعت چاپ، کتاب‌ها به چاپ می‌رسید، اما در ایران تلاشی برای انتقال این صنعت به داخل کشور صورت نگرفت. شاردن درباره چاپخانه می‌نویسد:

«ایرانیان همانند دیگر کشورهای مشرق زمین چاپخانه ندارند و بدین صنعت سودمند توجه نمی‌کنند. می‌گویند چون هوای ایران خشک است، نه تنها کاغذ شکننده و کم دوام می‌گردد، بلکه استفاده از چاپخانه را سخت دشوار می‌سازد. از این رو، به نوشتن و داشتن نسخه‌های خطی خرسندند، و چون بالطبع دوستدار دانش هستند، هنر کتابت و نسخه‌نویسی ترقی بسیار یافته و در شمار هنرهای زیبا درآمده است» (شاردن، ۱۳۳۸، ص. ۹۶۱).

در این دوران، نسخه‌های استنساخ شده در مدارس توسط علما و فاضلان و طلاب، از صحت و دقت بالایی برخوردار بود، لکن نسخه‌هایی که توسط وراقان و کاتبان به ویژه کاتبان کم سواد در ازای دریافت مزد استنساخ می‌شد، چندان از دقت و صحت برخوردار نبود و این امر یکی از اسباب بی‌رونقی بازار کتاب بوده است. به علاوه هر اندازه نیز که استنساخ کتاب فراوان می‌بود، برای بسیاری از اقشار جامعه، فراهم کردن چنین کتاب‌هایی آسان نبود؛ به همین لحاظ، کتابخانه‌های شخصی هم نسخه‌های محدودی را در برداشت.

شاردن در این خصوص چنین نوشته است: «در ایران، با این که بهای کتاب‌های خطی نسبت به کتاب چاپی ما زیاد است، هم به قدر کفایت وجود دارد و هم قیمتش گران نیست، اما آثار مصنفان به ندرت به دست می‌آید. از این رو خواستار، باید نوشتن آن را به نسخه‌برداران سفارش بدهد. برای وصول به مقصود، نخست باید به قدر لازم کاغذ به دست بیاورند، سپس درباره حق کتابت با کاتب به گفتگو بپردازند. مزد نوشتن را بر مبنای هزار بیت حساب می‌کنند. این مبلغ بسیار سنگین است و کمتر کسی به ادای آن تن در می‌دهد.

به هر روی آسان می‌توان دریافت که گرانی و کمیابی کتاب تا چه اندازه مانع نشر دانش و فرهنگ است و چه مایه پژوهشگران و اهل تحقیق را از ادامه مطالعه و اکتشافات علمی و فکری باز می‌دارد. این نیز گفتنی است که نقایص کتب خطی بسی بیشتر از آن است که به آن‌ها اشاره شد، چه بسیاری از آن‌ها چندان مغلوط است که آنچه در آن‌ها نوشته شده پریشان و آشفته و مبهم در نظر می‌نماید» (شاردن، ۱۳۳۸، ص. ۹۶۳-۹۶۵).

رافائل دومان، کشیش کاتولیک فرانسوی که در سال ۱۰۵۷ ق برای تبلیغ مذهبی به ایران آمد و در اصفهان تا سال ۱۱۰۸ هجری- حدود پنجاه سال- اقامت داشت، درباره صنعت چاپ در دوره صفوی چنین می‌نویسد: «اینان از صنعت چاپ که علوم در پرتو آن می‌درخشند و شهرت یک مؤلف مرهون آن است، محروم هستند.

اینان جز از نسخه خطی استفاده نمی‌کنند و بنابراین، در کتابت ایشان اشتباهات بسیار روی می‌دهد که ناشی از ناآگاهی و یا هوا و هوس کاتبان است، کتاب‌های این مردم دچار تغییر شکل و استحاله عجیبی می‌شود. در واقع، در حالی که مؤلف هنوز زنده است و نفس می‌کشد، اگر کتابش مورد اقبال مردم واقع شود، از آن استقبال می‌کنند و بارها از روی آن می‌نویسند، اما به میل و سلیقه خودشان» (بروجردی، ۱۳۷۵، ص. ۴۰۱-۴۰۳).

افزایش متون فقهی و حدیثی و متون شیعی در این دوره

با رونق گرفتن مذهب شیعه در مدارس به ویژه از دوره شاه عباس اول به بعد، تألیف، ترجمه، تدوین و استنساخ متون دینی در حوزه‌های گوناگون دینی به ویژه فقه و حدیث بر محور مذهب تشیع، گسترش یافت و موجب نیرومندی میراث مکتوب شیعه امامی شد. گزارش‌های فراوانی درباره تدوین و استنساخ بسیاری از متون دینی در مدارس آن روزگار معطوف به مذهب شیعه، در منابع این دوره در دست است. با بررسی متون شیعی بر جای مانده از آن دوره، می‌توان دانست که بیشتر آن‌ها در عصر صفوی سامان یافته‌اند. شمار فراوانی از این آثار در مدارس این دوره، تألیف یا نوشته (کتابت) شده‌اند که برخی از آن‌ها بر جای مانده و از نام مدرسه محل تألیف و کاتب نیز یاد کرده است (بخشی استاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۲).

در فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه‌های ایران، نمونه‌های بسیاری از نسخه‌های خطی فقهی و حدیثی و متون شیعی را می‌توان یافت که در این دوره تألیف یا استنساخ شده است و این نمونه‌ها بر فزونی یافتن میزان تألیف و استنساخ آثار درباره معارف مذهب تشیع و روند رشدیابنده آن در عصر صفوی دلالت می‌کند.

یافته‌های پژوهش

یافته نخست: تعیین فراوانی و تنوع ساختاری و محتوایی آثار فقهی تولیدشده در دوره صفویه اول در ایران. در پاسخ به پرسش اول پژوهش، جداول شماره‌های ۱ و ۲، نحوه توزیع ساختاری و محتوایی آثار مورد پژوهش را نشان می‌دهد.

توزیع ساختاری و محتوایی آثار فقهی مورد پژوهش

چنان که در جدول ۱ نشان داده شده، از ۵۵۴ عنوان آثار فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، ۳۸/۳ درصد آن آثار با ساختار کتاب و ۶۱/۷ درصد آثار در قالب رساله تألیف شده است.

جدول ۱. نحوه توزیع ساختاری آثار فقهی مورد مطالعه

ردیف	ساختار آثار فقهی		تعداد عناوین	درصد
	کتاب	کتاب مستقل (مشمول بر ابواب مختلف فقهی)		
۱	کتاب	کتاب مستقل (مشمول بر ابواب مختلف فقهی)	۴۵	۳۸/۳٪
		کتاب غیرمستقل (تألیف شده در شرح یا حاشیه کتاب دیگر)	۱۶۷	
۲	رساله	رساله متوسط و بلند	۲۰۳	۶۱/۷٪
		رساله کوتاه و کم حجم	۱۳۹	
۳	مجموع		۵۵۴	۱۰۰٪

توزیع محتوایی آثار فقهی مورد پژوهش

جدول زیر، نحوه توزیع محتوایی (به لحاظ مذهب فقهی) آثار مورد پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع محتوایی (به لحاظ مذهب فقهی) آثار مورد پژوهش

ردیف	ساختار کلی اثر	ساختار تفصیلی اثر	تعداد آثار امامیه	تعداد آثار اهل سنت	تعداد کل
۱	کتاب فقهی	کتاب مستقل	۲۶ عنوان	۱۹ عنوان	۴۵ عنوان
		کتاب در شرح یا حاشیه کتاب دیگر	۱۰۸ عنوان	۵۹ عنوان	۱۶۷ عنوان
۲	رساله فقهی	رساله متوسط و بلند	۱۶۶ عنوان	۳۷ عنوان	۲۰۳ عنوان
		رساله کوتاه و کم حجم	۱۱۰ عنوان	۲۹ عنوان	۱۳۹ عنوان
۳	مجموع		۴۱۰ عنوان	۱۴۴ عنوان	۵۵۴ عنوان
۴	درصد		۷۴٪	۲۶٪	۱۰۰٪

مطابق با جدول ۲، از ۵۵۴ عنوان آثار فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، ۷۴ درصد آن مربوط به امامیه و ۲۶ درصد دیگر مربوط به مذاهب فقهی اهل سنت است.

یافته دوم: تعیین فراوانی و میزان استنساخ کتب خطی فقهی تولیدشده در این دوره

یافته دوم، پاسخ به پرسش دوم تحقیق است. چنان که در جداول زیر نشان داده شده، از مجموع ۵۵۴ کتاب و رساله فقهی تولید شده در دوره صفوی اول، ۲۱۲ عنوان آن مربوط به کتاب‌های فقهی تألیف و استنساخ شده و مابقی مربوط به رساله‌های فقهی است. در میان ۲۱۲ کتاب فقهی تولید شده در این دوره، ۴۵ عنوان کتاب مستقل و ۱۶۷ عنوان کتاب غیرمستقل (در شرح و حاشیه کتاب‌های دیگر) است. از مجموع ۲۱۲ کتاب فقهی تولید شده در این دوره، تعدادی از آن کتاب‌ها (جمعاً ۸۴ عنوان) صرفاً تألیف فقهی این دوره است و نسخه‌های کتابت شده این عناوین در ادوار بعدی رؤیت شده و تعدادی (جمعاً ۱۲۸ عنوان) هم دارای نسخه‌های کتابت

شده در این دوره هستند. در جداول شماره‌های ۳ و ۴ و ۵، فراوانی کتابت و استنساخ در کتاب‌های فقهی مستقل و غیرمستقل بررسی شده است:

جدول ۳. فراوانی کتابت و استنساخ در کتاب‌های فقهی مستقل

ردیف	عنوان	تعداد و محتوا	عنوان کتاب	مؤلف	تعداد نسخه
۱	کتاب‌های دارای بیش از دو نسخه	۹ عنوان کتاب فقهی امامیه	حبل المتین	شیخ بهایی	۲۶ نسخه
			مشرق الشمسین	شیخ بهایی	۱۸ نسخه
			زبده البیان	مقدس اردبیلی	۱۸ نسخه
			آیات الاحکام	استرابادی	۵ نسخه
			فقه شاهی	الهی اردبیلی	۳ نسخه
			زبده فی الفقه	مقدس اردبیلی	۲ نسخه
			مجموعه سلطانی	-	۲ نسخه
۹ نسخه		کتاب فقهی اهل سنت	الفقه العامه	-	۶ نسخه
			اشباه و نظائر فقهی	ابن نجیم	۳ نسخه
۲	کتاب‌هایی با کتابت صرفاً یک نسخه	۱۷ عنوان کتاب؛ جمعا دارای ۱۷ نسخه کتابت شده			۱۷ نسخه
۳	کتاب‌های صرفاً تألیف شده در این دوره	۱۹ عنوان کتاب، بدون هیچ نسخه کتابت شده در این دوره			-
۴	مجموع				۱۰۰ نسخه

چنان که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از ۴۵ عنوان کتاب فقهی مستقل این دوره، فقط ۹ عنوان با استنساخ‌های بیش از یک نسخه (و جمعا با ۸۳ نسخه) و ۱۷ عنوان کتاب با استنساخ یک نسخه و ۱۹ عنوان کتاب بدون هیچ نسخه کتابت شده در این دوره هستند.

جدول ۴. میزان استنساخ در کتاب‌های فقهی غیرمستقل (که در شرح یا حاشیه کتاب‌های دیگر نگاشته شده)

ردیف	شرایط کتاب	تعداد	میزان فراوانی	تعداد	جمع تعداد نسخه‌های کتابت شده
۱	کتاب‌های تألیف شده و دارای نسخه کتابت شده در این دوره	۱۰۲ عنوان	کتابت بیش از ۵ نسخه	۱۶ عنوان	۴۸۷ نسخه
			کتابت بین ۲ تا ۴ نسخه	۲۶ عنوان	
			کتابت فقط یک نسخه	۶۰ عنوان	
۲	کتاب‌های صرفاً تألیف شده و بدون نسخه کتابت شده در این دوره	۶۵ عنوان			-
۳	مجموع کتاب‌های تولید شده در این دوره	۱۶۷ عنوان			۶۱۷ نسخه

مطابق با داده‌های جدول ۴، از ۱۶۷ عنوان کتاب فقهی غیرمستقل تولید شده در این دوره، ۱۰۲ عنوان کتاب با استنساخ‌های متفاوت، دارای ۶۱۷ نسخه کتابت شده و ۶۵ عنوان دیگر بدون نسخه کتابت شده در این دوره هستند.

جدول ۵، عناوین کتاب‌های فقهی غیرمستقل و پرکاربرد که دارای بیش از ۵ نسخه کتاب شده باشند را نشان می‌دهد.

جدول ۵. کتاب‌های فقهی غیرمستقل و پرکاربرد (دارای بیش از ۵ نسخه کتاب شده)

ردیف	نام مؤلف	عنوان کتاب	تعداد نسخه کتابت شده	مجموع
۱	شهید ثانی	مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام (محقق حلی)	۱۱۸ نسخه	۲۱۳ نسخه
		الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (شهید اول)	۵۳ نسخه	
		الفوائد الملیة فی شرح النفلیه (شهید اول)	۲۲ نسخه	
		المقاصد العلیة فی شرح الالفیه (شهید اول)	۱۰ نسخه	
		روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان (علامه حلی)	۱۰ نسخه	
۲	محقق کرکی	جامع المقاصد فی شرح القواعد (علامه حلی)	۶۹ نسخه	۱۹۵ نسخه
		حاشیه شرایع الاسلام (محقق حلی)	۵۳ نسخه	
		حاشیه ارشاد الاذهان (علامه حلی)	۴۲ نسخه	
		حاشیه الالفیه (شهید اول)	۱۹ نسخه	
		حاشیه قواعد الاحکام (علامه حلی)	۱۲ نسخه	
۳	موسوی عاملی	حاشیه الالفیه (شهید اول)	۱۱ نسخه	۲۰ نسخه
		مدارک الاحکام فی شری شرایع الاسلام (محقق حلی)	۹ نسخه	
۴	استرآبادی	المطالب المظفریه فی شرح الرسالة الجعفریه (محقق کرکی)	۳۹ نسخه	
۵	شیخ بهایی	حاشیه الاثنی عشریه فی الصلاة (صاحب معالم)	۸ نسخه	
۶	ابیوردی	شرح القرائن النصیریة (خواجه نصیر طوسی)	۷ نسخه	
۷	اصفهانی	حاشیه ارشاد الاذهان (علامه حلی)	۵ نسخه	
۸		مجموع نسخه‌ها	۴۸۷ نسخه	

جمع‌بندی و تحلیل یافته‌ها

در این بخش از تحقیق، پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌های پژوهش که به عنوان یافته‌های پژوهش و در قالب جداول متعدد مطرح شده، به اجمال ارائه می‌شود و در موارد لزوم تحلیل‌های متناسب با یافته‌ها با عنوان بحث و نظر تدوین می‌شود.

مطابق با داده‌های این پژوهش، از ۵۵۴ عنوان آثار فقهی تألیف و کتابت شده در دوره صفوی اول، ۳۸/۳ درصد آن آثار با ساختار کتاب و ۶۱/۷ درصد آثار در قالب رساله تألیف شده و ۷۴ درصد آن مربوط به امامیه و ۲۶ درصد دیگر مربوط به مذاهب فقهی اهل سنت است.

چنان که از مجموع ۵۵۴ کتاب و رساله فقهی تولید شده در دوره صفوی اول، ۲۱۲ عنوان آن مربوط به کتاب‌های فقهی تألیف و استنساخ شده و مابقی مربوط به رساله‌های فقهی است. در میان ۲۱۲ کتاب فقهی تولید شده در این دوره، ۴۵ عنوان کتاب مستقل و ۱۶۷ عنوان کتاب غیرمستقل (در شرح و حاشیه کتاب‌های دیگر) است. از مجموع ۲۱۲ کتاب فقهی تولیدشده در این دوره، تعدادی از آن کتاب‌ها (جمعاً ۸۴ عنوان) صرفاً تألیف فقهی این دوره است و نسخه‌های کتابت‌شده این عناوین در ادوار بعدی رویت‌شده و تعدادی (جمعاً ۱۲۸ عنوان) هم دارای نسخه‌های کتابت‌شده در این دوره هستند.

در میان کتاب‌های مستقل فقهی، کتاب‌های پرکاربرد (که هرکدام دارای بیش از ۵ نسخه کتابت‌شده هستند) عبارتند از: حبل المتین (۲۶ نسخه) و مشرق الشمسین (۱۸ نسخه) از آثار شیخ بهایی و زبده البیان مقدس اردبیلی (۱۸ نسخه) و آیات الاحکام استرآبادی (۵ نسخه).

از میان ۱۶۷ کتاب فقهی غیرمستقل (کتاب‌هایی که در شرح یا حاشیه کتاب‌های دیگر هستند) تولید شده در دوره صفوی اول، ۱۰۲ عنوان از آن‌ها، دارای نسخه کتابت شده در این دوره هستند که ۱۶ عنوان آن جزء کتاب‌های پرکاربرد (کتابت بیش از ۵ نسخه) بوده‌اند. ۶۵ عنوان دیگر نیز کتاب‌های صرفاً تألیف شده و بدون نسخه کتابت شده در این دوره هستند. در بین کتاب‌های غیرمستقل فقهی این دوره آثار شهید ثانی و محقق کرکی دارای بیشترین فراوانی هستند. آثار شهید ثانی مانند مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام (محقق حلّی) با ۱۱۸ نسخه کتابت شده و الروضه البهیّه فی شرح اللعنه الدمشقیه (شهید اول) با ۵۳ نسخه کتابت شده و الفوائد الملیّه فی شرح النفلیه (شهید اول) با ۲۲ نسخه کتابت شده جزء پرکاربردترین کتاب‌ها بوده، چنان که آثاری از محقق کرکی همچون: جامع المقاصد فی شرح القواعد (علامه حلّی) با ۶۹ نسخه کتابت شده و حاشیه شرایع الاسلام (محقق حلّی) با ۵۳ نسخه و حاشیه ارشاد الازدهان (علامه حلّی) با ۴۲ نسخه و حاشیه الالفیه (شهید اول) با ۱۹ نسخه کتابت شده دارای بیشترین فراوانی هستند.

بحث و نظر: با بررسی کتاب‌های فقهی که نسخه‌های متعددی از آن‌ها در این دوره کتابت شده، معلوم می‌شود که آثار شیخ بهایی و محقق کرکی (از علمای معاصر صفویه و مهاجر از جبل عامل) و کتاب‌های شهیدثانی (از علمای معاصر صفوی و مقیم جبل عامل) و کتاب‌های محقق حلّی و علامه حلّی از فقهای مشهور متقدم با بیشترین فراوانی نسخه‌های کتابت شده هستند. با توجه به این که آثار فقهی علمای مذکور، کتاب‌های جامع فقهی و استدلالی بوده، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی استنساخ این آثار، آن هم در حجم بسیار

بالا در این دوره، عمدتاً برای تأمین نیاز منبع درسی در مدارس شیعی است که در شهرهای مهم و بزرگ ایران در این دوره تأسیس شده است.

بدون شک، گسترش مدارس شیعی در این دوره و نیاز جامعه به تنظیم وظایف عملی و ارتباطی بر اساس فقه شیعه، رابطه مستقیمی با افزایش استنساخ و کتابت منابع درسی مورد نیاز آن مدارس دارد و با افزایش قابل توجه کتابت آثار فقهی مذکور معلوم می‌شود این آثار جزء منابع اصلی فقهی در مدارس شیعی و مرجع و مأخذ فقهی معتبر برای مراجعه دیگر فقها به آن‌ها برای مباحثات علمی و استنباط فتاوی فقهی مورد نیاز جامعه در پاسخ به مسائل مستحدثه و نوظهور فقهی بوده است.

سیاسگزاری

با توجه به این که مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی مصوب در شورای پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی به سال ۱۳۹۹ است، از اعضای محترم آن شورا به خاطر حمایت در اجرای طرح پژوهشی نگارنده سیاسگزاری می‌شود. همچنین نگارنده بر خود فرض می‌داند از داوران محترم به خاطر ارائه نظرات ارزشمند، تشکر و قدردانی نماید.

منابع

- افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱ ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمد الحسینی. قم: مطبعه الخیام.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۲). *جایگاه مدرسه در عصر صفوی*. تهران: یاسین نور.
- بخشی استاد، موسی الرضا؛ رضایی، رمضان (۱۳۹۳). نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده امامی. *مجله ادیان و عرفان*، ۴۷(۲)، ۱۹۷-۲۱۶.
- بروجردی، آزاد (۱۳۷۵). روایت یک فرنگی از کتاب، نگارش و تحصیل در عهد صفوی. *مجله کلک*، ۸۰-۸۳، ۳۹۹-۴۰۴.
- بهمنی، مریم (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه. پایان‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). *تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع دولت صفوی*. ناشر: علم، چاپ سوم.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۸). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (جلد دوم)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
- حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۵). *تاریخ و سفرنامه حزین*، تصحیح علی دوانی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی عاملی، محمدشفیع (۱۳۸۳). *محافل المؤمنین*، تصحیح ابراهیم عرب پور و منصور جغتایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا). سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱-۱۳۹۴.
- شاردن، ژان (۱۳۳۸). *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمدعباسی. تهران، انتشارات امیر کبیر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه اطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ناظقی، عبدالحسین (۱۳۵۰). *سلسله صفویه و بررسی تمدن و وضع اجتماعی ایران در این دوره*. اصفهان: ثقفی.

References

- Bahmani, M. (2011). *Evaluation of the influence of religious schools in Isfahan in the expansion and consolidation of Shiism in the Safavid era*. Master's Thesis of Lorestan University: Faculty of Literature and Human Sciences. (in Persian)
- Bakhshi Ostad. M. (2012). *The position of the school in the Safavid era*. Tehran: Yasin Noor. (in Persian)
- Bakhshi Ostad, M., & Rezaei. R. (2013). The role of Safavid era schools in the expansion of Twelver Imami Shiism. *Journal of Religions and mysticism*, 47(2),197-216. (in Persian)
- Boroujerdi, A. (1996). A foreigner's narrative of books, writing and studies in the Safavid era. *Kelk Magazine*, 80-83, 399-404. (in Persian)
- Chardin, J. (1959). *Chardin's travel book*. translated by Mohammad Abbasi, Tehran: Amir Kabir Publishing House. (in Persian)
- Deraiti, M. (2012). Catalogers of Iranian manuscripts (Fankha). National Library and Archives of I. R. Iran: 1391-1394.
- Effendi, M. A. (1401. AH). *Riyaz al-Ulama and Hayaz al-Fozala*. research by Seyyed Ahmad al-Hosseini. Qom: Al Khayyam publishing house. (in Persian)
- Hazin Lahiji, M. A. (1996). *Hazin's history and travelogue*. Edited by Ali Devani. Tehran: Publications of the Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)
- Hosseini Ameli, M. S. (2004). *Mahafal al-Mu'minin*. edited by Ibrahim Arabpour & Mansour Joghtaei. Mashhad: Islamic Research Foundation. (in Persian)
- Jafarian.R. (2009). *The history of Shiism in Iran: from the beginning to the rise of the Safavid state*. Publisher: Alam, third edition. (in Persian)
- Jafarian, R. (2019). *Safavid era in the field of religion, culture and politics*, (V:2). Qom: University and District Research Institute, 5th edition. (in Persian)
- Majlisi, M. B. (1403 AH). *Bihar Al-Anwar Al-Jama'i Ledorar Akhbar of the Imams al-Athar*. Beirut: Al-Wafa Institute. (in Arabic)
- Natghi, A. H. (1971). *The Safavid dynasty and the study of the civilization and social situation of Iran in this period*. Isfahan: Thaghafi.